

یکی از مسائل منحصر به فرد فلسفه تشیع، بررسی و بیان ارتباط بین مسائل حوزه اقتصاد و فرهنگ با بهداشت مادی و معنوی است. آنجا که رزق، زحمت و نعمت باشد، مصداق استدراج و املاء می شود که ان شاء الله برای بنده و شما نیست. شهرت، ثروت و عزتی که مرا از خدا جدا کند، املاء است حتی اگر در حیطة دین باشد و ثروت از راه حلال به دست آمده باشد.

جهت ادامه بحث به چند مسئله توجه بفرمایید: اولاً من و شما در عالمی زندگی می کنیم که دو بُعد دارد: الف) {دنیا} ظاهر، فیزیک، طبیعت، شهود، ملک، ناسوت. ب) {آخرت} متافیزیک، ماوراءالطبیعه، غیب. علم ما محدود به همین دنیاست به کمک حواس پنجگانه و حس ششم؛ ما فقط ظاهری از ظواهر دنیا را عالم می شویم (يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ)؛ آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می دانند، و از آخرت غافلند {الروم/۷}.

ثانیاً: هرآنچه ما در دنیا به آن علم پیدا می کنیم، رشحه ای از رشحاتی است که در آخرت وجود دارد. اگر ما در گُل جمال می بینیم این جمال خزینه ای در آخرت دارد:

چرخ و اختران نغز و خوش و زیباستی  
صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی  
صورت زیرین اگر با نردبان معرفت  
بر رود بالا همی با اصل خود یکتاستی  
این سخن را درنیابد هیچ فهم ظاهری  
گر ابو نصر است و گر بوعلی سیناستی

{سوره الحجر/۲۱} (وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ) استثناء در سیاق نفی مفید حصر است، یعنی هیچ چیزی از مال و جمال و یک نحوه کمال دنیوی پیدا نمی کنید که خزینه آن در آخرت نزد ما نباشد (وَ مَا نَنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومٍ؛ ولی ما جز به اندازه

معین آن را نازل نمی کنیم) بد به حال آنانکه به دنبال عزت و عظمت و مال و جمال به غیر از در خانه ذوالجلال می گردند. از دو مقدمه مذکور این نتیجه را می گیریم که: اگر می خواهی دلهای عالم به سوی تو رو کند، دَم مقلب القلوب را ببین. اما اگر آمدی خود را به آرایش و پیرایش ساختی بدان، مگر به دور آرایش شیرین غیر از مگس جمع می شود؟!

اگر ولخرجی کردی مگر به دور پول غیر از اهل تکدی جمع می شود؟! خداوند به پیامبرش(ص) می فرماید: {آل عمران/۱۵۹} (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنَّنْ حَوْلِكَ)؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان / مردم / نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند)

روایت می فرماید: اگر خدا بخواهد کسی را عزیز کند و مردم بخواهند علیه او شوند ملائکه می خندند و اگر بخواهد او را ذلیل کند و مردم بخواهد او را بالا ببرند هم ملائکه می خندند. {آل عمران/۲۶} (تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ؛ هر کس را بخواهی، عزت می دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می کنی)

ثالثاً: هر ذخیره ای دربی و هر دری قفلی و هر قفلی کلیدی دارد (و عِنْدَهُ مَفَاتِحُ {أَقْفَالِ أَبْوَابِ خَزَائِنِ} الْغَيْبِ؛ کلید قفل درهای غیب نزد خداست؛ الانعام/ ۵۹) قسمت {أَقْفَالِ أَبْوَابِ خَزَائِنِ} در آیه از باب وضوح حذف شده است. این درب با کلید باز می شود و کلید آن هم در کتاب مبین است و کتاب مبین در دست ائمه اطهار (سلام الله علیهم) است. یکی از کلیدهای فُتَاح برای ابواب غیب، دعا است. فکر می کنیم دعا، فقط دست به آسمان بلند کردن و توسل و مفاتیح الجنان خواندن است در حالی که این ها صیغه الدعا است و نه حقیقه الدعا، به همین دلیل خرده می

مگر خداوند نفرمود: (أدعونی أستجب لکم؛ مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم) و مگر نفرمود: (و اذا سألك عبادی عني فإني قريب أجيب دعوة الداع إذا دعان؛ هرگاه بندگانم از من بخواهند، من نزدیک هستم و دعای دعا کننده را اجابت میکنم) پس چرا دعای ما اجابت نمی شود؟

بحث کلید دعا برای رزق را به پنج پاره تقسیم می کنیم:

۱. **حکمت الدعا:** چرا دعا؟ مگر نفرمود رزق شما بر من است؟ ما نبودیم و تقاضای ما هم نبود که لطف حق ناگفته ما را می شنود، ما نمی خواستیم به دنیا بیاییم، خدا آمد صلاح ناگفته ما را شنوده گرفت و چون به عقل ما نمی رسید ما را خلق کرد، حالا چرا دعا؟

۲. **حالت الدعا:** هر بابی آدابی دارد باب دعا نیز مستثنا نیست و اگر آداب را رعایت نکنیم به جای مرحوم شدن، محروم می گردیم:

از خدا جوییم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب  
۳. **ازمنه الدعا:** دعا زمان خاص دارد و بعضی روایات زمان ویژه ای را برای دعا معرفی کرده اند گویی در آن مواقع در آسمان باز است که البته حقیقت این چنین نیست.

۴. **امکنه الدعا:** هر جایی هر دعایی مستجاب نیست اینها آموزش و آگاهی می خواهد همان طور که هر صنفی مثل خیاطی و خطاطی استاد می خواهد آیا معنویت استاد نمی خواهد؟! نردبان هایی است پنهان در جهان، پله پله تا عروج آسمان؛ و من و شما این نردبان ها را خبر نداریم.

۵. **انحاء الدعا**

در آیات و روایات سه حکمت برای دعا ذکر شده است :

**الف** {سوره فرقان/۷۷} ( قُلْ مَا بَعَثُوا بَكُمْ رَبِّي لَوْلَا دَعَاؤُكُمْ ؛ بگو اگر دعای شما نبود خدا به شما محل نمی گذاشت ) ما بچه خودمان را بدون اختیار خودش آورده ایم تا به کمال برسد و برای او کار می کنیم پول هم در می آوریم و می گوئیم این از صمیم جان برای بچه ام است ، اما به همین سهولت و سادگی در دسترسش قرار نمی دهید چون امکان دارد خود بزرگ بین شود. حضرت صادق(ع) می فرماید برخی از زمان ها ، زمانی است که رزق ما را مقسوم و مکتوم می کنند مثل بین الطلوعین (از فجر تا آفتاب ) که در این لحظه اگر خواب باشد رزق مقسوم و مکتوم شده اش موقوف می شود اگر بیدار باشد و طلب کند به او خواهند داد . پیامبر (ص) می فرماید : بیدار بودن تو در بین الطلوعین از طلای در زمین یا رکوب در دریا نافع تر است ، یعنی از نه جزء تجارت بهتر است. این فوت در مقابل فن است . حالا اگر خواب بودی و رزقت را مکتوم و مقسوم کردند ولی موقوف شد یحتاج الی الطلب و السؤال برای آزاد شدنش سوال و طلب می خواهد باید بعدش بلند شوی و بگویی رزقی که مال من است را برایم آزاد کن.

**ج** ( إِنَّ الرِّزْقَ لِنَزَلُ مِنَ السَّمَاءِ بَعْدَ القطْرِ المَطَرِ ؛ همانا رزق از آسمان به تعداد قطره های باران نازل می شود . بپیمنه رزق الوراء همه موجودات رزق می خورند ولیکن ، فَسئَلُوا اللهَ مِنْ فَضله ؛ از فضل خداوند طلب کنید. خدا گذشته از رزق مقسوم و مکتوم رزق زیادتری هم دارد از خدا زیادی را بطلبید .

گمان می کنیم مَن أَحَبَّنَا اهل البیت فَلَيَسْتَعِدَّ للفقير جَلْبَاباً ؛ فقر اقتصادی است و شیعه نباید شهیر باشد و ثروت متعادل داشته باشد و اینکه تشیع و ولایت مداری با دنیاداری با هم منافات دارند در حالی که خواستگاه این اندیشه در دستان شیطان ابالسّه و شیطاین جن وانس است. این همه روایات آمده از خدا طول عمر با برکت و مال زیاد بخواه این همه حضرات معصومین (صلوات الله علیهم) به اصحاب توصیه فرمودند چنین کن ، چنان کن تا مالت فراوان شود . یکی از اصحاب امام صادق(ع) می گوید من هزار درهم از کسی قرض گرفتم تا وضعم رو به راه شود ،وقتی قرض را پس دادم رفتم خدمت امام ششم(ع) رسیدم و آقا هم دو اصل اخلاقی به من آموختند که در طول یک سال تنها زکات من ۳۰۰ هزار درهم شد که در حج سال بعد برایشان آوردم. خود ائمه بسیار کاری و کوشا بودند، پول در می آوردند و خرج می کردند . الان اندیشه فاسد در ذهن شیعه اینست که نرو کارخانه ات را دو تا کن ، کارگاه ات را کارخانه کن ؛ این اندیشه اسلامی نیست ، تا توان داری کار کن اما بگذار زمین همسایه ات هم بخورد . پول داشتن هم درآمدش فرهنگ می خواهد و هم خرج کردنش که تمام این ها دستور دارند که در ادامه مقداری از آنها می آید ان شاء الله ...

ادامه دارد ... (شماره ۵ را مطالعه کنید)

## رزق و روزی

### ۴

چگونه رزق و روزی خود را  
افزایش دهیم؟

«فوق العاده کار بردی»

جهت دسترسی به منابع مطلب به واحد فرهنگی مراجعه فرمایید

واحد فرهنگی  
بیمارستان خاتم الانبیا (ص)

